

قصه حضرت ایوب (ع) به روایت سعدي

زهرة زرشناس^۱

ایوب، در زبان عبری به معنای «آنکه به خدا رجوع می‌کند»، یکی از پیامبرانی است که از سوی ابلیس به بلاهای فراوان گرفتار شد، اما بردباری او در محنت و رنج در زبان فارسی مثل و نمونه شده است.

نام ایوب در قرآن مجید در چهار سوره ذکر شده است: نساء، آیه ۱۶۳^۲؛ انعام، آیه ۸۴^۳ (که در این دو سوره نام وی در ردیف پیامبران آمده است)؛ انبیاء، آیه‌های ۸۳ و ۸۴؛ سوره ص، آیه‌های ۴۱ تا ۴۴. در این دو سوره بخش‌هایی از داستان ایوب به شرح زیر نقل شده است: ۱. سوره انبیاء: «و ایوب را یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد: به من بیماری و رنج رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی» (آیه ۸۳)؛ «دعایش را اجابت کردیم و آزار از او دور کردیم و خاندانش را و همانند آنها را به او بازگردانیدیم و این رحمتی بود از جانب ما، تا خداپرستان همواره به یاد داشته باشند» (آیه ۸۴). ۲. سوره ص: «و از بنده ما ایوب یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: مرا شیطان به رنج و عذاب افکنده است»

۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. ما به تو وحی کردیم همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او ... و به ابراهیم ... و ایوب ... و وحی کرده‌ایم ... (نساء، آیه ۱۶۳).

۳. ... همگی را هدایت کردیم ... ایوب و یوسف و موسی ... را هدایت کردیم ... (انعام، آیه ۸۴).

(آیه ۴۱)؛ «پایت را بر زمین بکوب: این آبی است برای شست و شو و سرد برای آشامیدن» (آیه ۴۲)؛ «و به او خانواده‌اش و همچند آن از دیگر یاران را عطا کردیم و این خود رحمتی از ما بود و برای خردمندان اندرزی» (آیه ۴۳)؛ «دسته‌ای از چوب‌های باریک به دست‌گیر و با آن بزَن و سوگند خویش را مشکن. او را بنده‌ای صابر یافتیم. او که همواره روی به درگاه ما داشت چه نیکو بنده‌ای بود» (آیه ۴۴).

در میان کتاب‌های عهد عتیق منظومه‌ای مشتمل بر ۴۲ باب به نام کتاب ایوب موجود است که در آن محنت‌ها، رنج‌ها و صبوری‌های ایوب به زبانی شاعرانه بیان شده است (قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۶). در مقدمه کتاب از کامیابی و دارایی‌های بسیار ایوب سخن رفته است (۵-۱:۱)؛ پس از آن خداوند شیطان را بر دارایی‌های او (۶:۱-۲۲) و آنگاه بر سلامتی او مسلط می‌فرماید (۲:۱-۱۰). در دنباله مطلب، گفت‌وگوهای میان ایوب و یاران او درباره خیر و شر در این جهان و سرزنش‌های دوستان ایوب و دفاع او از بی‌گناهی خود و توصیف این امر که پاداش و عقوبت الهی از فهم آدمی خارج است، به تفصیل آمده است (کتاب ایوب، باب‌های ۴ تا ۳۷). در پایان کتاب نیز بازگشت ایوب به مقام پیشین و نایل شدن وی به سعادت و خوشبختی نقل شده است (۴۲:۱۱-۱۷).

نویسندگان قصص اسلامی داستان ایوب را با اندک تغییراتی مطابق با کتاب ایوب در عهد عتیق روایت کرده‌اند.^۴ قصه ایوب که در میان مردم از محبوبیت خاصی برخوردار بوده، در ادبیات فارسی نیز بازتاب یافته است. چنانچه مولانا می‌فرماید:

مرغ آبی غرق دریای عسل	عین ایوبی شراب مُغتَسَل
که بدو ایوب از پاتا به فرق	پاک شد از رنج‌ها چون نور شرق
مرگ او و مرگ فرزندان او	بهر حق پیشش چو حلوا در گلو
نزع فرزندان بر آن باوفا	چون قطایف پیش شیخ بینوا
پس چرا گوید دعا الا مگر	در دعا بیند رضای دادگر
آن شفاعت و آن دعا نه از رحم خود	می‌کند آن بنده صاحب رشد

مثنوی، ۱/ ابیات ۲۰۹۷-۲۰۹۶؛ ۳/ ۱۹۱۹-۱۹۲۱

۴. از جمله نک: ابوبکر عتیق نیشابوری، ۱۳۳۸، صص ۹۶۳-۹۶۷.

متن سغدی داستان

متن سغدی داستان، TiiD، یگانه روایت موجود از قصه ایوب به یکی از زبان‌های ایرانی میانه است. این متن از میان مجموعه داستان‌های سغدی (Henning 1945: pp. 435-486) برگزیده شده است.^۵

متن سغدی TiiD، مکشوف در ترکستان چین، بر روی طوماری نوشته شده که در پشت آن متنی به زبان چینی نگاشته شده است. روی هر دو صفحه، در میان سطرها نوشته‌هایی ناخوانا دیده می‌شود. دستنویس به خط سغدی تحریری به دست کاتبی مانوی نوشته شده که در هنر کتابت نوآموز بوده است.

حرف‌نوشت متن سغدی

قطعه TiiD

(1) z-mnw "(w)γ'n(')yt 'skw'nt ZY ZKw 'nw'stk rty pts'r yw'w'y'nt (2)
(γ)w 'yw cnn δβtyk w'nkw 'PZY γwy'r ZK 'yw δn δβtyk L' wyn'nt (3)
[rty] kδ γβsty ZK mrtymy (p)rw γrβ γnphn rty δβ'yz-t pr γrβ (4) [?'rk]h
ZKw γrβ γz-nw ZY γr'm'k rty βwt ZK γ'mkyn ZY pršt'yt (5) [γ'n']kh
ZY RBkw kty'kh ZY prypt ZK γrβw wδ'y'sth rtyšn (6) "z-yt'nt γrβ
z't'y-t ZY δwytrth rty δβrty ZKn z't'yt (7) [w]δ'y'sty ZY ZK δwytrty
ZK žmt'yty rty kwnty RBkw βγ'n'yšp (8) [']krty rty ZK γrβw n'β ZKn
βrys'nt prw šyr'kw 'γš'wnh ZY (pr) (9) š'twγw 'z-w'nh ZY prw RBkw
γ'n'kh ZY pr kty'kh ZY prw γrβw (10) (yz-)nw ZY pr γr'm'kw ZY pr
γrβw z't'yt ZY pr γrβw δγwtrt ZY pr (11) [z']mt'yt ZY pr np'yšnt ZY
pr γrβw δ'yh ZY pr γrβw βnt'yt (12) [ZY] pr 'stwrpδ'k ZY pr γrβw
rp'st'wyh ZY pr šyr'kk pršt'k rty (13) [pr] 'ny'δcykw ZY "βrywneykw
'z-γyr'nt ZKwy 'nytwh knδyh ZY prw (14) [...] m'yt oooo oo rtywkr
pts'r βwt ZK γyrtr (ZY) (15) [...]r cnn z't'yty ZY cnn δwytr(ty) [ZY]

۵. برای آگاهی از این مجموعه نک: زرشناس، ۱۳۸۰، صص ۲۹-۳۰.

cnn z'mtyty (ZY) cnn np['](yšn)[ty] (16) [yγw'y't ? ZY ? tr] 'z-mnyh ZK
 ('')y'z-'nt mwrty (rty)w nyw('nty) (mr)ty'm'y (17) [...]s'nt ky' ZY ZKh
 "z-(wnh) "(z)-'yt (ZY) L' ZK "z-wnh yw'r (18) [?'kr](t)δ'rt rtms 'sty
 w'nkW 'z-mnw γwty 'kw δštweh ZY ('n)y'z-h (19) [pr'](y)s'nt ZY βwt
 try'z-yn ZY 'ny'z-kyn pr wyspw "δcw rtyw L' (20) [mr']z ZY L' pstk'r'k
 βyrt rtyw βwt γwδk'r ZY 'yw-t'(c) rtyw (21) [L]' 'sp'γšt ZY L'
 prm'nptywš'k βyrt rtyw nγ(nw) (p'c) prywyδ (22) ['z-]mnw nγnw γwty
 [...].yt ZY cnn γ'wh '[γšyβt]y γwrty rtyw npδty (23) [ZKw](y) wnyh
 (s)y(')ky rtyw βrysty ZKw(y) [...]n [δ]štW'nty ZY δyw'nty δ'yh.

آوانوشت متن سغدی

1. žamnu āu/āw-xānēt⁶ (ə)skawand/t ti awu anwaštē rəti patsār
y(i)/ixwāyand
2. xō ēw čan δiβdīk wānō tuli xuyār xō ēw dan δiβdīk nē wēnand
3. rəti kaδ γalsti xō martəxmē paru γarf γamb/npan rəti δβ/θfēžt par
γarf
4. ark awu γarf yaznu ti γrāmē rəti βōt xō γām kēn ti parštāyt
5. xānāk ti wazarku katyāk ti parēpt xō⁷ γarfu wa/ədišt rətišan
6. āžitand/t γarf zātēt ti duydart rəti δβ/θfarti awēn zātēt⁸
7. wa/ədišt ti xō⁹ duydarte xō zāmātētī rəti kund/ti wazarku βayānēšp
8. kətē rəti xō γarfu nāf awēn βraxsand/t paru širō/aku (ə)xšāwanā ti
par

۶. در نگاه نخست "cγ'nty't خوانده می شود؛ اما به احتمال بسیار (1954: §351 Gershevitc "wy'n'yt)
 مورد نظر بوده است (n.a) (Henning 1945: p. 485).

۷. متن سغدی: ZK.

۸. دست‌نویس سغدی: نخست. z'mt. بوده و کاتب آن را به z'ty't تصحیح کرده است. (op. cit., p. 486, n.a).

۹. متن سغدی: ZK.

9. šātuxu (ə)žwān ti paru wazarku xānāk ti par katyāk ti paru ɣarfu
10. ɣaznu ti par ɣrāmō/aku ti par ɣarfu zātēt ti par ɣarfu duɣdart ti par
11. zāmātēt ti par napišnd/t ti par ɣarfu δāy¹⁰ ti par ɣarfu βantēt
12. ti par (ə)stōr padē ti par ɣarfu arpastāwē ti par širē parštāk rəti
13. par anyāδōčīku ti āfrīwančīku¹¹ (ə)žɣērand/t (a)wē anyatu kamθi ti
 paru
14. ...¹² rətinūkar patsār βōt xō ɣēlirtar ti
15. ...¹³ čan zātētū ti čan duɣdarte ti čan zāmātētū ti čan napišnte
16. y(i)xwāyt ti tar(ə)žam(a)nē xō āyāzand/t mwrte rətxō niwand/ū
 martəxmē¹⁴
17. ...¹⁵ kyā ti xā āžōn āžayt ti nē xō āžōn yiwār
18. (?) (ə)krtdārt rətmās asti wānō (ə)žamnu xutē (ə)kō δəštāuč ti
 (ə)niyāz
19. parēst¹⁶ ti βōt tray(t) zāy-n¹⁷ ti (ə)nyāzkēn par wispu ādču rətxō
 nē
20. marāz ti nē past-kārē βirt rətxō βōt xudkār ti ēw-tāč rətxō

۱۰. دست‌نویس سغدی: δ'yh

۱۱. دست‌نویس سغدی: نخست βryncykw "بوده و خط خورده است، آنگاه کاتب دیگری روی خط خوردگی pδ...w نوشته است. به نظر می‌رسد که آموزگاری املای نوآموز را تصحیح کرده و w را افزوده است (op.cit., p. 486, n.b)

۱۲. احتمالاً sm'yt؛ به دشواری می‌توان این واژه را [p'rm'yt = pāramitā دانست (op.cit., n.c)

۱۳. متن سغدی: به وضوح [w... نیست که [zmn]w خوانده شود.

۱۴. متن سغدی: می‌توان mrtymty هم خواند.

۱۵. متن سغدی: به دشواری (?) [βr] ɣs'nt خوانده می‌شود (op.cit., n.e)

۱۶. متن سغدی: (y)s'nd [pr']

۱۷. این واژه را tr'yz-y' هم می‌توان خواند. به نظر می‌رسد که tr'yz- نیست و آن را با واژه مانوی tr'yz'y' و واژه مسیحی tr'yz'y (BBB., p. 60) نمی‌توان مرتبط دانست. واژه‌ای که در Frg.V,5 (Benveniste, 1938: p. 498) آمده است، از قرار معلوم همان واژه مانوی tr'yyn = tr'yyn در M765k است: c'nw tr'yyn yp'q' مکنزی این واژه را در متن SCE، سطر ۳۳۲ (Mackenzie, 1970: pp. 20-21) tr'n'ɣw به معنای «کینه، بغض و نفرت» خوانده است.

21. nē (ə)spaxšt ti nē framān-patyōšc̄ βirt rətxō naynupāč¹⁸ pariwēd
 22. (ə)žamnu naynu xuti ...¹⁹ ti čan γāw (ə)xšīβdī²⁰ xurti rətxō nipadti
 23. (a) wē wane sayāki²¹ rətxō βraxst (a) wē ... δ(ə)št wānt/dī ti
 diwand/ti δāy

۱. زمانی هم خانگان اند و انباشته (در جمع، با یکدیگر زیر یک سقف زندگی می‌کنند) آنگاه جدا شوند
 ۲. یکی از دیگری چنان که به آسانی یکی با دیگری نبینند (یکدیگر را به آسانی نبینند)
 ۳. و اگر کوشد مردم با بسیار تلاش (اگر شخص کوشش بسیار کند) آنگاه اندوزد به بسیار
 ۴. کار، بسیار گنج و دارایی را و شود او دارا و آماده کند
 ۵. خانه و بزرگ خانواده و گیرد (اختیار کند) بسیار زنان را و از آنها
 ۶. زاده شوند^{۲۲} بسیار پسران و دختران و دهد به پسران
 ۷. زنان را (برای پسران همسر اختیار کند) و به دختران، دامادان را و کند بزرگ بزم^{۲۳}

۱۸. فرائث واژه بسیار مورد تردید است؛ در واقع، واژه بازسازی شده است (op.cit.; n.i)
 ۱۹. متن سغدی: احتمالاً [snyt]؛ ممکن است بعد از واژه γwty یک δ آمده باشد. در این صورت احتمالاً L'
 خوانده می‌شود (op.cit., n.j).
 ۲۰. متن سغدی: برای این واژه به دشواری جای کافی وجود دارد.
 ۲۱. متن سغدی: تنها سر حروف دیده می‌شود و بر این اساس واژه‌های زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:
 γy'ky, γynky, γyzky, šy'ky, syzky,

- اما به نظر هنینگ (op.cit., n.e) از همه مناسب‌تر است.
 ۲۲. متن سغدی: زاده شدند (فعل ماضی سوم شخص جمع).
 ۲۳. هنینگ (op.cit., n.l) یادداشت مشروحی دربارهٔ این واژه آورده است که در اینجا نقل می‌شود:
 krtv [βy'n'yšp-] در متن حاضر = βy'npšqty در متن سغدی مسیحی (sti, 39,4), bēθ meštūā= در
 متن سریانی (Luke xii, 36). شعری از زبان فارسی میانه به زبان سغدی ترجمه شده که این واژه در آن به
 کار رفته است و در اینجا برای نمونه می‌آید:

شعر فارسی میانه (قطعهٔ M 85,8)

[drwd] 'br tw d'm'd.. qyt pwsryn [r]'[y] (wd)wdg' [n] qyrd.

«درود بر تو داماد که برای مردان جوان (پسران) جشن ازدواج کردی (گرفتی).»

این شعر به زبان سغدی به صورت زیر برگردانده شده است (TüD,G):

zwkyh β't zkn tw' p(y)s'k (?pys'k?) ky zy wsn MN ''z-wnty pyδ'r zkw
 βy'ny pškt'kw 'krtwδ'ry

واژهٔ wywdg'[n] را نمی‌توان به صورت واضح خواند، بسنجید با kawān, A57 و واژهٔ wydwtky در زبور
 پهلوی. در بندهش بزرگ (Gr.Bd. 51, 10) wydwtk'n=wayōdagō (بسنجید با فارسی bayōgān).

۸. زناشویی (جشن ازدواج باشکوهی برگزار کند) و بسیار مردم او را ستایند^{۲۴} (به او تبریک گویند) بر توانایی نیک (برای نیروی چشمگیرش) و بر
۹. زندگی شاد (برای زندگی شادمانه‌اش) و بر خانه بزرگ و بر خانواده و بر بسیار
۱۰. گنج و بر دارایی و بر بسیار پسران و بر بسیار دختران و بر
۱۱. دامادان و بر نوه‌ها و بر بسیار دایگان (کنیز) و بر بسیار بندگان (بنده و غلام)
۱۲. و بر ستور(ان)^{۲۵} و بر بسیار رفاه^{۲۶} (زندگی مرفه) و بر ساز و برگ نیکو
۱۳. بر (او) ستایش و آفرین خوانند در تمامی شهر و بر
۱۴. ... و اینک پس از آن بود دیرتر
۱۵. ... از پسران و از دختران و از دامادان و از نوه‌ها
۱۶. جدا شود و پیش‌زمان، آنها^{۲۷} مردن آغازند (پیش از آنکه هنگام مرگشان برسد، می‌میرند) و آن [مردم]^{۲۸} درباره آن مرد
۱۷. ... آنکه (او را) فرزندان زاده شود و نه فرزند (هیچ فرزندی) مع هذا
۱۸. (زاری؟)^{۲۸} کرد (مردی که دارای فرزندان بسیاری می‌شود اما فرزندی ندارد که پس از

به نظر نمی‌رسد که در واژه سغدی جزء ktē. به معنای «خانه» به کار رفته باشد، به رغم آنکه این جزء در یک واژه سغدی با املاي kt'kw آمده و در معادل سریانی آن واژه، «خانه» معنا شده است. جزء ktē احتمالاً ← → از صورت krtaka مشتق شده است. بخش میانی واژه مرکب سغدی، یعنی -pš, -šp. را به یاری واژه dāmād (در پاره نوشتار فارسی میانه) که معادل p(y)š'k در زبان سغدی است، می‌توان شرح داد. البته قرائت آن بسیار احتمالی است. واژه p(y)š'k از puθraka مشتق شده است و «پسر» معنا می‌دهد.

۲۴. برای واژه «ستایش، تحسین یا افتخار» ← VJ, 23. گوتیو (Gauthiot 1914-23: 148) واژه βrys را از ریشه اوستایی √barag «خوش آمدن، خوش آمد گفتن» می‌داند که در زبان فارسی میانه به صورت burzdan به معنای «تبریک گفتن، تحسین کردن» آمده است. barag در ترکیب با پیش‌آیند ā «آرزو داشتن، علاقه به تملک» و نظایر اینها معنا می‌دهد: در زبان سغدی aβraxsē به معنای «آرزو، شهوت» مشتق از ā.br̄xsaka- در زبان ختنی: aursa, orsa به معنای «آرزو» مشتق از *ā.br̄xsa- است؛ بدین ترتیب: aursa < auriša < āβriša < āβraxsa < *ā.br̄xsa-

بسنجید با -rīs- مشتق از -r̄xs- در واژه hamgr̄s-, -rs- مشتق از -rīs- که پس از واکه می‌آید (برای نمونه در واژه -pars). واژه پارتي āwarzōg که در فارسی میانه به صورت āwarzōg و در فارسی جدید «آرزو» است، از ā.barğ* مشتق شده است (op.cit., p. 487, n.2).

۲۵. نشانه [] برای واژه‌های افزوده بر ترجمه فارسی انتخاب شده است.

۲۶. بسنجید با ST ii: 576b.

۲۷. متن سغدی: او

۲۸. معنای این پاره نوشتار چندان روشن نیست.

- مرگ بر او بگریند) و نیز است چنان زمانی که خود به تنگدستی و نیاز
 ۱۹. رسد^{۲۹} و باشد تهی دست و نیازمند در هر چیز و او نه
 ۲۰. مزدوری و نه پشتیبانی یابد و او باشد تنها و یگه و او
 ۲۱. نه خدمتکاری و نه فرمان‌نویسی (خادمی) یابد و نانوا در این
 ۲۲. زمان نان را خود...^{۳۰} و از گاو شیر خورد و او خوابد
 ۲۳. در سایه درخت و او تمکین کند در...^{۳۱} با تنگدستان و با این دایگان (کنیزان).

به سبب پارگی و افتادگی بسیار در متن سغدی، طرح کلی قصه در این روایت نامعلوم است؛ اما می‌توان فرض کرد که این بخش مربوط به گفت‌وگوی دوستان ایوب با او و سرزنش‌های آنان برگناه ناکرده‌ی وی است. در نهایت موضوع اصلی داستان ایوب اثبات این امر است که همواره گناه موجب ابتلا نیست، بلکه با بلا و مصیبت که برای آزمودن بنده صالح مقرر می‌شود، بنده مقرب باید صبوری و پایداری در برابر سختی‌ها و محنت‌ها پیشه کند.

کتابنامه

- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
 - ابوبکر عتیق نیشابوری، ترجمه و قصه‌های قرآن (از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام)، به سعی و اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، دو جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
 - زرشناس، زهره، جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی، تهران، فروهر، ۱۳۸۰.
 - جیمز هاگس، قاموس کتاب مقدس، تهران، کتابخانه طهوری.
 - قریب، بدرالزمان، فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)، تهران، فرهنگان، ۱۳۷۴.
 - مثنوی معنوی.

-BBB. → Henning 1937.

-Benveniste, E. 1938: "Notes Sogdiennes (Note IV)", *BSOS* 9, pp. 495-518 .

۲۹. متن سغدی: رسند.

۳۰. عبارت پیشنهادی: خود (از او دریغ کند).

۳۱. عبارت پیشنهادی: در (نهایت بدبختی و).

- Benveniste, E. 1946: *Vessantara Jataka*, Paris.
- Gauthiot, R. 1914-1923: *Essai de grammaire sogdienne*, vol. I, Paris.
- Gershevitch, I. 1954: *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.
- Henning, W.B. 1937: *Ein Manichäisches Bet und Beichtbuch*, Berlin.
- Henning, W.B. 1945: "Sogdian Tales", *BSOAS* 10, pp. 465-487 .
- MacKenzie, D.N. 1970: *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions in Sogdian*, Oxford.
- Müller, F.W.K. 1912: "Sogdische Texte i," *APAW*.
- Müller, F.W.K. and W. Lentz 1934: "Sogdische Texte ii," *SPAW*, pp. 502-607.
- STi → Müller, 1912 .
- STii → Müller and Lentz, 1934 .
- VJ → Benveniste, 1946 .



پښتونخوا ښار، اسلام آباد
 پښتونخوا ښار، اسلام آباد
 پښتونخوا ښار، اسلام آباد



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی